



۲۰۱۶/۰۳/۱۶



تیمورشاه "تیموری"

صلح ما

صلح ما ای دوستان سنگک شده
صلح می گوئیم و مو شد بر زبان
این بشد یک قصه دنباله دار
در امید صلح روزا(۱) شام شد
صلح می گوئیم و غوغا می کنیم
از زبانها صلح می آید برون
صلح سالم زینت انسان بود
گر تو با خرسان الفت می کنی
این نباشد راه و کار زندگی
زندگی بر پای خود استادن است

اسپیک رهوار ما لنگک شده
آفرین بر قصه گوی داستان
تسمه می باید کشید از دنب مار
سالها این راز نااتمام شد
خویشتن را خرد و رسوا می کنیم
در عمل کشتارها بی چند و چون
حکمتی از دین و از ایمان بود
یا به دزدان دست همت می دهی
بر نیاید اعتبار زندگی
راه مشکل را به پا پیمودن است

کارداران زمان بیکاره اند
در امور مملکت بیچاره اند

تیمورشاه "تیموری"
شهرک زیزن - المان - ۶ مارچ ۲۰۱۶

۱- "روزا" را، که تلفظ گفتاری از "روزها" ست، به خاطر مُراعات وزن آوردم.